

مسافران زمین در قطار زمان

www.ketab.ir



- سرشناسه : سلیمانی، علی اصغر، ۱۳۳۴ -
- عنوان و نام پدیدآور : مسافران زمین در قطار زمان / گردآوری علی اصغر سلیمانی.
- مشخصات نشر : استهبان: والتین، ۱۳۹۹.
- مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص.: مصور (رنگی): ۲۱/۵×۱۴/۵ سم.
- شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۵۷-۸۷-۲
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- پادداشت : کتابنامه: ص. ۲۳۸ - ۲۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
- موضوع : مرگ -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
- موضوع : Death -- Religious aspects -- Islam
- موضوع : مرگ -- احادیث
- موضوع : Death -- Hadiths
- رده بندی کنگره : BPT۲۲۲/۲۲
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۴
- شماره کتابشناسی ملی : ۶۲۰۹۴۰۴

عنوان کتاب : مسافران زمین در قطار زمان

گردآورنده : علی اصغر سلیمانی

طراح جلد: محمد صادق حکمفرمائی

چاپ: نخست، ۱۴۰۰/قطع: رقعی / شمارگان: ۱۰۰ نسخه / تعداد صفحه: ۲۴۰

شماره نشر: ۱۵۱ ویراستار مریم نظری

چاپ و صحافی مرکز چاپ استهبان، ایمان نبینی، شماره همراه: ۰۹۱۷۱۳۲۳۴۶۸ : انتشارات والتین.

استان فارس، استهبان، فلکه معلم-کوی طالقانی -پلاک ۱۳ کد پستی: ۷۴۵۱۹-۷۳۹۷۵

تلفن: ۰۹۱۷۷۳۲۳۸۵۳ همراه: ۰۷۱-۵۳۲۲۳۳۳۵

پست الکترونیک: Soleiman۱۳۳۲@gmail.com

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۶	ماهیت مرگ
۷	مسافران زمین در قطار زمان
۱۱	مبارزه با غفلت و بی‌توجهی
۱۸	مصاحبه‌ای با حضرت عزرائیل
۳۳	چهل حدیث درباره مرگ اندیشی
۴۱	برخی از آثار یاد مرگ
۵۲	دیدگاه پیامبر اسلام در مورد عامل مرگ و میر انسان چیست؟
۵۴	مرگ‌اندیشی در کلام ائمه معصومین
۶۱	احادیث در مورد مرگ
۷۳	روح انسان و پرواز آن
۸۶	قبض روح نیکوکاران و ستمکاران
۹۳	پنج چیزی که محضر هنگام مرگ می‌بیند مرگ - احتضار
۱۰۵	چه کنیم که احتضار سختی نداشته باشیم
۱۳۳	عقبه دوم، ضعیفه و فشار قبر است
۱۳۸	داستانی عجیب از بروج مرگدان
۱۹۳	خاطره ای از مرحوم استاد سید علی اکبر پرورش
	ستاره‌های مدفون در تخت فولاد - اصفهان ماجرای ذکر نام ۴۰ مومن در نماز
۲۰۵	شب آیت‌الله اشنی
۲۰۹	مخالفت صریح با ظلم و فساد رژیم شاهنشاهی
	۵ ماجرای باور نکردنی از غسالخانه بهشت زهرا(س)/ مرده ای که بوی گلاب
۲۳۱	می‌داد
۲۳۷	گریه امام سجاده(ع) در دعای ابوحمزه ثمالی
۲۳۹	منابع

یکی از اندیشه‌هایی که همواره بشر را رنج داده است، اندیشه مرگ و پایان یافتن زندگی است. آدمی از خود می‌پرسد چرا به دنیا آمده‌ام و چرا می‌میرم. منظور از این ساختن و خراب کردن چیست؟ آیا این کار لغو و بی‌پایه نیست؟ در پاسخ به این اندیشه می‌توان گفت: اشکال مرگ از این‌جا پیدا شده که آن را نیستی و نابودی پنداشته‌اند؛ در حالی که مرگ برای انسان نیستی نیست؛ بلکه تحول و تطور است. غروب از یک نشئه و طلوع در نشئه دیگر است. انسان مرگ مطلق ندارد و مرگ از دست دادن یک حالت و به دست آوردن یک حالت دیگر است و مانند هر تحول دیگری فناء نسبی است بدین معنا که وقتی خاک تبدیل به گیاه می‌شود، مرگ او رخ می‌دهد ولی این مرگ مطلق نیست چرا که خاک شکل سابق و خواص پیشین خود را از دست می‌دهد و دیگر آن تجلی و ظهوری که در صورت جمادی داشت ندارد ولی اگر از یک حالت و وضع مرده است نکل در وضع و حالت دیگر زندگی یافته است.

از جمادی بودم و نامی شدم	وز نما مردم به حیوان سر زدم
مردم از حیوانی و آدم شدم	پس چه ترسم کی زمردن کم شدم
خمسه دیگر بمیرم از بشر	تا بر آرم از ملائک بال و پر
وز ملک هم بایدم جستن ز جر	کل شیء هالک الا وجهه

بنابر این فلسفه مرگ انسان این است که از مجلس جهان طبیعت به فراخنای بهشت برین که به وسعت آسمان‌ها و زمین است منتقل گردد و در جوار ملیک مقتدر و خدای عظیمی که در تقرب به او هر کمالی حاصل می‌شود، مقام گزینند.